

تحلیل سبک‌شناختی سوره نمل بر پایه لایه‌های آوایی، واژگانی و بلاغی: رویکردی تدبیری به انسجام متن

مریم نساج[✉]

۱- استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۲

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲

چکیده

سبک‌شناسی قرآن، به ویژه تحلیل هم‌زمان لایه‌های زبانی، رویکردی نوین در کشف اعجاز بیانی و انسجام متنی قرآن است. سوره نمل از سوره‌های «طواسین» است که با برخورداری از داستان‌های متعدد پیامبران و طرح تقابل دوگانه ایمان و کفر، بستر مناسبی برای این پژوهش محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل سبک‌شناسی سوره نمل پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ساختار سوره بر تقابل دو گروه مؤمنان (بامحوریت داستان حضرت سلیمان) و کافران (فرعون، ثمود، لوط) استوار است. در سطح واژگانی، واژگان «ایمان»، «تسلیم»، «شکر» و «عبادت» شبکه مفهومی سوره را شکل می‌دهند. در سطح آوایی، سجع، جناس اشتقاق (تصدیر) و واج‌آرایی به ایجاد موسیقی درونی و انسجام آیات کمک کرده‌اند و در سطح بلاغی، طباق، التفات، تشبیه، مجاز و کنایه بر برجسته‌سازی مفاهیم و زیبایی بیانی سوره افزوده‌اند. در سطح دستوری و بلاغی، صنعت توازن نحوی در زیباشناسی سوره نمل اثر گذار بوده است و همه این‌ها نشان دهنده اعجاز بیانی قرآن کریم است. نتایج پژوهش نشان داد که اعجاز بیانی سوره نمل، نه در کاربرد منفرد آرایه‌های بلاغی، بلکه در تعامل سازمان یافته لایه‌های آوایی، واژگانی، دستوری و بلاغی تجلی یافته است. تحلیل سبک‌شناختی سوره آشکار ساخت که این لایه‌ها به صورت نظام‌مند در خدمت شکل‌دهی به محور معنایی «تقابل ایمان و کفر» و تحقق کارکردهای تبشیر و انذار قرار گرفته‌اند. از این‌رو، روش سبک‌شناسی لایه‌ای با آشکار ساختن پیوند ساختار زبانی و مقاصد معنایی، نشان می‌دهد که انسجام میان سطوح مختلف زبان، یکی از سازوکارهای بنیادین اعجاز بیانی قرآن کریم است و می‌تواند به عنوان الگویی روشمند در تحلیل سبک سایر سوره‌های قرآن نیز به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: سوره نمل، سبک‌شناسی قرآن، انسجام متنی، تدبیر، بلاغت قرآن

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

قرآن کریم به عنوان معجزه جاویدان پیامبر اسلام (ص)، از وجوه متعددی اعجاز دارد که یکی از برجسته ترین آن‌ها، اعجاز بیانی و بلاغی است (مطعنی، ۱۳۸۸: ۲۹). این اعجاز در نظم آفرینی واژگان، چینش آیات و هماهنگی لایه های آوایی، نحوی و بلاغی تجلی می یابد (باقلائی، ۱۳۸۴: ۴۵). سبک شناسی قرآن، به ویژه بررسی سوره ها به مثابه واحدهای معنایی مستقل، رویکردی نوین است که می تواند پرده از رازهای انسجام متنی و هدفمندی آیات بردارد (کواز، ۱۳۸۶: ۴۶). سوره نمل از سوره های «طواسین» به دلیل برخورداری از داستان های متعدد (موسی، داود، سلیمان، صالح، لوط) و طرح تقابل دوگانه ایمان و کفر، بستر مناسبی برای سبک شناسی لایه ای است. اصل واژه «سبک»، از واژه لاتینی «style» گرفته شده است. این واژه در اصل به ابزاری نوک تیز از جنس چوب یا فلز اطلاق می شد که برای نوشتن بر لوح های مومی (پارافین) به کار می رفت و معادل ابزار نوشتن، مانند قلم بود. این واژه به تدریج و از راه مجاز، معانی گسترده تری یافت؛ بدینگونه که نخست به شیوه نگارش دست نویس و سپس به شیوه بیان و نگارش ادبی اطلاق گردید (کواز، ۱۳۸۶: ۴۶).

در سبک شناسی، عناصر گوناگونی همچون بافت درونی متن، ویژگی های آوایی، ساختارهای دستوری، آرایه های بلاغی و گزینش واژگان، در شکل گیری و تحلیل سبک اثر گذارند.

باوجود پژوهش های انجام شده، پژوهشی که نظام مند و همزمان، لایه های آوایی، واژگانی، دستوری و بلاغی این سوره را با هدف کشف الگوی انسجام بخش تحلیل نموده باشد، انجام نشده است. از این رو، پژوهش حاضر با پرسش اصلی «سبک سوره نمل در سطوح آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی چگونه است و این لایه ها چگونه در خدمت القاء پیام محوری تبشیر و انذار عمل می کنند؟»، شکل گرفته است.

بر این اساس، فرضیه پژوهش آن است که لایه های آوایی، واژگان، نحوی و بلاغی سوره نمل به صورت هدفمند و هماهنگ در خدمت انسجام متن و تبیین محور معنایی سوره، یعنی تقابل ایمان و کفر و تحقق کارکردهای تبشیر و انذار، قرار گرفته اند. از این رو،

انتظار می‌رود تحلیل این لایه‌ها بتواند پیوند میان ساختار زبانی سوره و پیام محوری آن را آشکار سازد.

هدف پژوهش، ارائه تحلیلی ساختاری- تدبری از سوره نمل و تبیین زیبایی‌های ادبی آن به عنوان شاهد اعجاز بیانی قرآن است. این مقاله می‌کوشد با بهره‌گیری از روش سبک‌شناسی لایه‌ای و با تکیه بر نظریه‌های نظم و تدبر قرآنی، دریچه‌ای نو به فهم نظام‌مند قرآن بگشاید. نخست تمامی آیات سوره نمل استخراج شد؛ سپس عناصر آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی براساس منابع بلاغت عربی و سبک‌شناسی شناسایی و در نهایت ارتباط آن‌ها با محور معنایی سوره تحلیل گردید.

۱-۲- پیشنهاد تحقیق

صفری (۱۴۰۰)، در پژوهش «تحلیل مؤلفه‌های مدیریتی سوره نمل»، مبانی و شیوه‌های مدیریتی از سوره نمل را بررسی نموده است و درباره ارزش‌های بنیادی، تکریم سرمایه انسانی، ارزیابی عملکردها و داشتن نظام نظارت با هدف ایجاد رقابت سالم سخن گفته است. این پژوهش با وجود ارزشمندی، به تحلیل سبک‌شناختی سوره نمل نپرداخته و بیشتر بر استخراج آموزه‌های مدیریتی متمرکز بوده است.

ابراهیمی و پاینده (۱۳۹۰)، در پژوهشی به «بررسی عوامل انسجامی در دو سوره نمل و فجر در مقایسه با ترجمه فارسی» پرداخته‌اند. این پژوهش، با روش توصیفی- تحلیلی با تکیه بر آراء هیلیدی در خصوص انسجام متن به بررسی عوامل انسجام موجود در دو سوره پرداخته است. تمرکز این پژوهش بر عوامل انسجام متن براساس نظریه هیلیدی است و تحلیل همزمان لایه‌های سبکی و ارتباط آن‌ها با محور معنایی سوره را دنبال نکرده است.

امرای و دیگران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود «معنای اصلی و تبعی در ترجمه غلامعلی حداد عادل از قرآن کریم (مطالعه موردپژوهانه سوره نمل) را بررسی نموده است. در این پژوهش نیز محور اصلی، ارزیابی ترجمه قرآن است و به ویژگی‌های سبکی متن عربی سوره نمل نپرداخته است.

پژوهش‌هایی هم، با تکیه بر برخی از آیات سوره نمل نوشته شده است. رضائزاد و پای برجای (۱۳۹۵)، در پژوهش خود به «بررسی دلالت آیه ۸۳ سوره نمل بر رجعت از دیدگاه فریقین»، پرداخته است و بیان می‌کند که آیه ۸۳ سوره نمل به طور آشکار بر مسئله رجعت نظر دارد. این پژوهش تنها یک آیه از سوره را بررسی کرده و قابلیت تعمیم به ساختار کلی سوره را ندارد.

تورج و دیگران (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «واکاوی برساخت گفتمانی داستان حضرت سلیمان (ع) در سوره نمل با تکیه بر نشانه‌های معناساز مایکل هلیدی»، به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تحلیل برساخت گفتمانی داستان حضرت سلیمان (ع)، ساختار این داستان را از منظر انسجام متن بررسی کرده‌اند. با وجود توجه این پژوهش به انسجام متن، دامنه آن به داستان حضرت سلیمان (ع) محدود است و سایر لایه‌های سبکی سوره را در بر نمی‌گیرد.

صادقی (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی شیوه‌های تربیتی در سوره نمل»، با رویکردی تربیتی، به تبیین شیوه‌های تربیتی مطرح شده در این سوره پرداخته و مؤلفه‌هایی مانند تفقد و نظارت، تکریم، تحقیق و تفحص، عزت و شرافت، شایسته‌سالاری و ارزش‌مداری و نیز رقابت سالم را بررسی کرده است. با وجود ارزشمند بودن این پژوهش در تبیین ابعاد تربیتی سوره، ساختار زبانی و ویژگی‌های سبکی سوره نمل مورد بررسی قرار نگرفته است. از پژوهش‌های انجام شده، برخی فقط به ساختار نحوی و انسجام سطحی پرداخته، برخی صرفاً به معانی و ترجمه توجه کرده‌اند، برخی فقط یک آیه را بررسی نموده‌اند، لیکن هیچکدام به طور همزمان و نظام‌مند به لایه‌های مختلف سبکی (آوایی، واژگانی، دستوری و بلاغی) با رویکرد تدبیری و با تأکید بر تقابل ایمان و کفر که محور اصلی سوره است، توجه ننموده‌اند.

۱-۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. جامعه پژوهش، تمامی آیات سوره نمل است و چون تحلیل بر کل سوره استوار است، نمونه‌گیری انجام نشده است. واحد تحلیل، لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی آیات است. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری و براساس چارچوب سبک‌شناسی لایه‌ای تحلیل شده‌اند. در این فرآیند، پس از استخراج آیات سوره، ویژگی‌های هریک از لایه‌های زبانی، شناسایی و سپس نقش آن‌ها در ایجاد انسجام متن و تبیین محور معنایی سوره بررسی شده است.

۱-۴- چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری در این پژوهش، سبک‌شناسی به معنای بررسی نظام‌مند ویژگی‌های زبانی متن و تبیین نقش آن‌ها در تولید معنا و ایجاد انسجام است. براین اساس، سبک یک متن، تنها حاصل کاربرد عناصر منفرد زبانی نیست؛ بلکه از مجموعه ویژگی‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی آن شکل می‌گیرد. از این‌رو، در تحلیل حاضر، لایه‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی به صورت نظام‌مند بررسی می‌شوند تا نقش هریک در تبیین ساختار و انسجام سوره نمل آشکار شود. در این رویکرد، فقط شناسایی آرایه‌های ادبی یا توصیف ویژگی‌های زبانی نیست، بلکه تبیین نقش آن‌ها در شکل‌گیری انسجام متن و انتقال مقصود سوره است.

۲- تحلیل ساختاری و تدبری

قرآن‌کریم در گزینش واژگان و سامان‌دهی ساختار آیات، از دقت و انسجامی شگرف برخوردار است؛ به گونه‌ای که هر واژه در جایگاه خود چنان به کار رفته است که گویی همان جایگاه برای آن آفریده شده است (بدوی، ۱۳۸۴: ۵۷). در این پژوهش، مقصود از رویکرد تدبری، تأمل در ساختار و ترتیب آیات به منظور کشف محور معنایی سوره و تبیین پیوند میان بخش‌های مختلف آن است. از این‌رو، تحلیل انسجام متن بر پایه چینش آیات و ارتباط آن‌ها با غرض واحد سوره انجام شده است. در رویکرد تدبری، هر سوره دارای محور و

غرضی واحد است و چینش آیات و پیوند میان بخش های مختلف آن بر اساس همان محور قابل تبیین است. از این رو، بررسی ساختار سوره، مقدمه ای ضروری برای تحلیل لایه های سبکی آن به شمار می رود؛ زیرا بسیاری از ویژگی های آوایی، واژگانی و بلاغی در پرتو غرض کلی سوره معنا می یابد (سید قطب: ۱۴۱۲: ۶۷). از این منظر، تأمل تدبرگونه در ساختار آیات قرآن، نکات و ظرایف ارزشمندی را آشکار می سازد. از این رو، تبیین ساختار سوره، همراه با نگاهی تدبری و دسته بندی و بررسی شیوه چینش آیات، می تواند زمینه شناخت عمیق تر حقایق، معارف و انسجام درونی سوره را فراهم آورد.

۲-۱- ساختار کلی سوره مبارکه نمل

سوره مبارکه نمل، از سوره های مکی قرآن کریم است که با حروف مقطعه «طس» آغاز می شود و ۹۳ آیه دارد. این سوره، از نظر محتوا و مضامین با سوره های شعراء و قصص، که با حروف مقطعه «طسم» آغاز می شوند، ارتباط و هماهنگی دارد. وجه مشترک این سوره ها، آغاز شدن آن ها با بیان رسالت حضرت موسی و مأموریت ایشان برای رهایی بنی اسرائیل از سلطه فرعون است. در سوره نمل، افزون بر رسالت حضرت موسی، به سرگذشت و رسالت شماری از پیامبران الهی، از جمله نوح، هود، صالح، لوط و شعیب، داود و سلیمان نیز اشاره شده است که هریک در مسیر هدایت انسان ها و زمینه سازی برای تداوم رسالت الهی نقش داشته اند (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۲: ۷۷).

۲-۲- ساختار موضوعی سوره مبارکه نمل

سوره نمل داستان هایی از حضرت موسی، داود، لوط، سلیمان، صالح بیان کرده است؛ لذا غرض و هدف این سوره تبشیر و انذار مردم است. در سه داستان اول؛ داستان موسی و داود و سلیمان، وعده بر وعید غالب است و در دو داستان صالح و لوط، وعید بر وعده غلبه دارد. در قسمت پایانی سوره هم به بحث توحید و معاد اشاره نموده است.

علامه طباطبائی، نگاه هدفمند و تدبرگونه به سوره‌ها و آیات قرآن دارد. ایشان ساختار موضوعی سوره را اینگونه ترسیم نموده است: (۱-۶، ۷-۱۴، ۱۵-۴۴، ۴۵-۵۳، ۵۴-۵۸، ۵۹-۸۱، ۸۲-۹۳)؛

سیدقطب در تفسیر فی ظلال القرآن در ۶ دسته تقسیم نموده است: (۱-۶، ۷-۱۴، ۱۵-۴۴، ۴۵-۵۳، ۵۴-۵۸، ۵۹-۹۳)؛

مراغی در تفسیر المراغی، اینگونه دسته‌بندی نموده است: (۱-۳، ۴-۵، ۶-۱۴، ۱۵-۱۹، ۲۰-۲۶، ۳۱-۲۷، ۳۵-۳۲، ۳۷-۳۶، ۴۰-۳۸، ۴۴-۴۱، ۵۳-۴۵، ۵۵-۵۴، ۵۸-۵۶، ۵۹-۶۴، ۶۵-۶۶، ۷۵-۶۷، ۸۱-۷۶، ۹۰-۸۲، ۹۳-۹۱)

طبرسی در مجمع البیان، اینگونه دسته‌بندی نموده است: (۱-۱۰، ۱۱-۱۴، ۱۵-۱۹، ۲۰-۲۶، ۳۱-۲۷، ۳۷-۳۲، ۴۴-۳۸، ۵۳-۴۵، ۵۹-۵۴، ۶۵-۶۰، ۷۵-۶۶، ۸۵-۷۶، ۹۳-۸۶)؛
فخر رازی در مفاتیح الغیب، اینگونه دسته‌بندی نموده است: (۱-۳، ۴-۵، ۶-۹، ۱۰-۱۴، ۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰، ۲۸-۲۵، ۳۳-۲۹، ۳۷-۳۴، ۴۰-۳۸، ۴۳-۴۱، ۴۴، ۵۳-۴۵، ۵۸-۵۴، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵-۶۶، ۷۵-۶۷، ۸۱-۷۶، ۸۶-۸۲، ۸۷، ۸۸، ۹۰-۸۹، ۹۳-۹۱).

ساختار موضوعی ارائه شده در تفسیر مراغی تا حد زیادی با دسته‌بندی علامه طبرسی در مجمع البیان هم‌خوانی دارد؛ با این تفاوت که مراغی آیات را با جزئیات بیشتری تقسیم‌بندی کرده است. در حالیکه علامه طباطبائی و سیدقطب آیات ۱ تا ۶ را یک بخش واحد دانسته‌اند، مراغی این بخش را به دو قسمت (آیات ۱ تا ۳ و ۴ تا ۵) تقسیم کرده است تا از همان آغاز، صفات مؤمنان و غیرمؤمنان را به صورت مستقل تبیین کند. همچنین، داستان حضرت سلیمان را که در آیات ۱۵ تا ۴۴ آمده است، به هفت بخش مجزا تقسیم کرده و مراحل مختلف این روایت را به تفصیل بررسی کرده است. در مقابل، تفاسیری مانند مفاتیح الغیب و نمونه بیشتر بر تفسیر و تبیین محتوای آیات تمرکز دارند و کمتر به دسته‌بندی ساختاری و غرض سوره پرداخته‌اند؛ در حالیکه تفاسیری همچون المیزان و فی ظلال القرآن با توجه به پیوند معنایی آیات، ساختار موضوعی سوره و غرض کلی آن را نیز تبیین کرده‌اند.

در نهایت براساس بررسی ساختار سوره نمل، می توان آیات را چنین دسته بندی کرد: آیات ۱ تا ۶ را می توان مقدمه سوره دانست. آیات ۷ تا ۱۴ به داستان حضرت موسی (ع) و رسالت ایشان به سوی فرعون و قوم او اختصاص دارد. مفصل ترین بخش سوره، یعنی داستان حضرت سلیمان (ع)، در آیات ۱۵ تا ۴۴ بیان شده است. آیات ۴۵ تا ۵۳ به سرگذشت قوم ثمود می پردازد. آیات ۵۴ تا ۵۸ به داستان قوم لوط می پردازد. آیات ۵۹ تا ۸۱ با بیان نمونه هایی از آیات الهی، راه سعادت و هدایت انسان ها تبیین شده و مقام برگزیدگان الهی مورد تکریم قرار گرفته است. آیات ۸۲ تا ۹۳ به مباحث توحید، اثبات معاد، بعثت و دیگر معارف الهی اختصاص دارد و سوره با انذار و بشارت به پایان می رسد. بر این اساس، می توان ساختار سوره نمل را بر محور تقابل ایمان و کفر تبیین کرد؛ به گونه ای که همه داستان ها، گفت وگوها و استدلال های سوره در خدمت تبیین این محور قرار گرفته اند. همین محور مبنای تحلیل لایه های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی در ادامه پژوهش و تبیین انسجام متن خواهد بود.

۳- تحلیل زبانی سوره مبارکه نمل

تحلیل زبانی، انسجام و پیوستگی آیات را آشکار می سازد. هرچه متن از انسجام بیشتر برخوردار باشد، فهم آن آسان تر، دقیق تر و ماندگارتر خواهد بود. انسجام در زبان شناسی مفهومی گسترده است و سطوح گوناگونی، از جمله آوایی، واژگانی، دستوری و بلاغی را در بر می گیرد که در مجموع به انسجام متن می انجامند (پاشازانوس، ۱۳۹۵: ۵۴). در این پژوهش، سوره نمل در سطوح واژگانی، آوایی و دستوری و بلاغی مورد بررسی قرار

می‌گیرد. هدف از این تحلیل، تبیین نقش هریک از این لایه‌های زبانی در شکل‌گیری انسجام متن و برجسته‌سازی محور معنایی سوره است.

۳-۱- سطح واژگانی

گزینش واژگان، نوع چینش میان آن‌ها در معنارسانی بسیار نقش آفرین است. واژه‌ها به مثابه خشت یک بنا عمل می‌کنند که نوع چینش و ترکیب آن‌ها در استحکام یا سستی بنا اثر گذار است. ساختار ترکیبی به منزله نقشه و چگونگی ارتباط اجزاء کلام با یکدیگر است (نصیری، ۱۳۹۳: ۱۲۰) و نشان‌دهنده اعجاز ادبی قرآن‌کریم است. در این جا چند نمونه از این ساختار ذکر می‌گردد.

۳-۱-۱- واژه «مؤمنین»

در این سوره، بُعد ایمان اهمیت خاصی دارد. واژه «مؤمنین» از ریشه «أمن» به معنی ایمنی و آرامش قلب آمده است (راغب، ۱۴۱۲: ۹۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸: ۳۸۸). ایمان به معنی تصدیق است (جوهری، ۱۹۸۴، ج ۵: ۲۰۷۱). این ریشه در این سوره، حدود ۹ بار تکرار شده است. بسامد بالای این ریشه نشان می‌دهد که مفهوم ایمان یکی از کانون‌های واژگانی سوره است و شبکه‌ای از مفاهیم مرتبط با هدایت، یقین، شکر و تسلیم را پیرامون خود شکل می‌دهد. نخستین بار این واژه در آیه دوم سوره نمل به کار رفته است. آیات نخستین سوره نمل اشتراکاتی با دو سوره «لقمان» و «بقره» دارد.

﴿طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابٍ مُبِينٍ * هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ .. بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (نمل / ۳-۱)

﴿الم * تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ * هُدًى وَ رَحْمَةً لِلْمُحْسِنِينَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (لقمان / ۴-۱)

﴿الم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ ... يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ... بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (بقره ۴-۱)

هر سه سوره، با الگویی مشابه آغاز می شوند. ابتدا قرآن را منشأ هدایت معرفی می کنند و سپس با عبارت «الذین..»، اوصاف هدایت یافتگان را برمی شمارند؛ اوصافی همچون اقامه نماز، پرداخت زکات و یقین به آخرت. تفاوت در این است که در سوره بقره، هدایت با «تقوا»، در سوره لقمان با «احسان» و در سوره نمل با «ایمان»، پیوند خورده است. این تفاوت در انتخاب واژگان، با غرض هر سوره متناسب است و در سوره نمل، واژه «مؤمنین» از همان آغاز محور تقابل ایمان و کفر را برجسته می سازد.

این تقابل در آیه چهارم سوره نیز آشکارتر می شود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زِينَةً لَهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾.

سوره از همان آغاز دو مسیر متفاوت را در برابر مخاطب ترسیم می کند: مسیر کسانی که با ایمان به آخرت، هدایت الهی را می پذیرند و مسیر کسانی که با انکار آخرت، در گمراهی و سرگردانی فرو می روند.

این دو دیدگاه در سراسر سوره استمرار می یابد؛ به گونه ای که حضرت سلیمان و پیروان او نماد ایمان، تسلیم و هدایتند، در حالیکه فرعون، قوم ثمود و قوم لوط، نمونه های کفر، استکبار و تکذیب را به نمایش می گذارند. از این رو، داستان های سوره فقط نقل رویدادهای تاریخی نیستند، بلکه همگی در خدمت تبیین محور اصلی سوره، یعنی تقابل ایمان و کفر، قرار گرفته اند.

قرآن کریم، کتاب داستان به معنای متعارف آن نیست، بلکه از نقل سرگذشت پیامبران اهدافی چون هدایت، عبرت آموزی، تبیین سنت های الهی و اثبات حقانیت رسالت را دنبال می کند (نصیری، ۱۳۹۳: ۲۰۶). در سوره نمل نیز، چندین داستان بیان شده است که مفصل ترین آن ها داستان حضرت سلیمان است. بررسی این داستان نشان می دهد که حضرت سلیمان برجسته ترین مصداق «مؤمنین» در این سوره است؛ زیرا ایمان او در رفتار و گفتار با مؤلفه هایی همچون تسلیم، شکر و عبادت همراه شده است. از این رو، بررسی این مفاهیم می تواند شبکه واژگانی سوره و نقش آن ها را در برجسته سازی آشکار سازد.

۳-۱-۲- واژه‌های «تسلیم»، «شکر»، «عبادت»

واژه «تسلیم»، موضوع تسلیم شدن به رب العالمین از مهم‌ترین مسائل در این سوره است و مشتقات این کلمه «مسلمین، اسلمت، مسلمون، سلام»، ۷ بار در این سوره به کار رفته است. نام پیامبری که در این سوره سمبل «تسلیم» معرفی شده، «سلیمان» است که از ریشه «سلم» مشتق شده است. در داستان حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبأ، چهار بار این کلمه به کار رفته است که سه بار آن به معنای مصطلح تسلیم شدن در برابر حریف است. ﴿أَلَا تَعْلَمُوا عَلَىٰ وَاتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ (۳۱)، ﴿قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ (۳۸)، ﴿أَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ﴾ (۴۲) و آخرین آن به معنای تسلیم شدن در برابر خداوند است. ﴿قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (۴۴) که مرحله کمال و رشد عقلی ملکه سبأ را نشان می‌دهد.

از دیگر ویژگی‌های حضرت سلیمان (ع)، شکر ایشان است. به جای آنکه همانند سایر ملوک و قدرتمندان از امکانات، دچار غرور شوند و استکبار و ناسپاسی نمایند، راه «شکر» و استفاده صحیح از نعمت‌ها را به کار بردند که در آیات ﴿فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَ قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ (۱۹) و ﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَتْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّيَ عَنِّي كَرْيَمٌ﴾ (۴۰) و ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَآكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (۷۳)، به آن اشاره شده است. بدین ترتیب، شکر در سوره نمل تنها یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه شاخص تمایز مؤمنان از کافران معرفی شده و در کنار ایمان و تسلیم، شبکه معنایی اصلی سوره را تشکیل می‌دهد.

واژه «عبادت»، از واژگان کلیدی این سوره است و نشان می‌دهد که عبادت در این سوره صرفاً به انجام مناسک محدود نیست، بلکه به معنای بندگی آگاهانه و نفی اطاعت از غیرخداست. از این‌رو، عبادت در کنار ایمان، شکر و تسلیم، یکی از ارکان شبکه مفهومی سوره را تشکیل می‌دهد. عبادت، هموارساختن نفس برای تسلیم در برابر پروردگار است.

این معنا در آیه ۱۵ سوره نمل در حمد و سپاس حضرت داود و حضرت سلیمان به سبب نعمتی که خداوند به آنان اعطا کرده و بر بسیاری از بندگان مؤمن خود برتری بخشیده است، جلوه گر شده است: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نمل / ۱۵).

بررسی لایه واژگانی سوره نمل، نشان می‌دهد که تکرار هدفمند ریشه‌هایی مانند «آمن»، «سلم»، «شکر» و «عبد» از نوع تکرار لفظی نیست، بلکه شبکه‌ای از مفاهیم مرتبط را شکل می‌دهد که محور اصلی سوره، یعنی ایمان و تسلیم در برابر خداوند، در تقابل با کفر و استکبار را برجسته می‌سازد. این انسجام واژگانی، علاوه بر تقویت پیوستگی معنایی سوره، در شکل‌گیری انسجام متن نیز نقش دارد و زمینه را برای تحلیل سایر لایه‌های زبانی، از جمله لایه‌های آوایی، دستوری و بلاغی، فراهم می‌سازد. ارتباط لایه واژگانی با لایه‌های آوایی، نحوی و بلاغی را نیز فراهم می‌کند.

۳-۲- سطح آوایی

ساختار آوایی، از جلوه‌های فصاحت و زیبایی کلام است که در لابه‌لای متن نمایان می‌شود (باقلائی، ۱۳۸۴: ۶۲). ساختار آوایی سوره نمل در دو سطح قابل بررسی است: نخست، آرایه‌هایی که بر موسیقی لفظی اثر می‌گذارند، مانند سجع و جناس اشتقاق و دوم، ویژگی‌های واجی حروف، مانند تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها، صفات واجی و آهنگ حاصل از آن‌ها.

۳-۲-۱- سجع

سجع در لغت، به معنی «آواز کبوتر» است (زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۱۴۳) و در اصطلاح به همانندی دو فاصله نثر در حرف پایانی یا یکسانی واژه‌های پایانی قرینه‌ها از نظر وزن یا حرف آخر گفته می‌شود (نصیری، ۱۳۹۳: ۱۲۹). سجع، آهنگ خاصی به آیات می‌بخشد و بر زیبایی و انسجام کلام می‌افزاید. هماهنگی آوایی حاصل از به‌کارگیری حروف و واژه‌ها

در پایان آیات، نظم و پیوستگی آوایی متن را تقویت می‌کند. این فواصل، جلوه‌ای از موسیقی درونی آیات قرآن را نمایان می‌سازند (مشایخی، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

از مجموع ۹۳ آیه سوره نمل:

۸۴ آیه آن با حرف «ن» ختم می‌شود؛ مانند: «مبین»، «مؤمنین»، «یوقنون»، «یعمهون»، «اخسرون»، «تصلولون» و...؛

۹ آیه با حرف «م» پایان می‌یابد. آیات ۶ و ۷۸ «علیم»، آیه ۹ «حکیم»، آیه ۱۱ «رحیم»، آیه ۲۳ و ۲۶ «عظیم»، آیه ۲۹ «کریم»، آیه ۳۰ «رحیم»، آیه ۴۰ «کریم».

فراوانی این فواصل، افزون بر ایجاد هماهنگی آوایی، به انسجام ساختار سوره نیز کمک می‌کند و سبب می‌شود مخاطب، با وجود تنوع موضوعات و داستان‌های سوره، وحدت آهنگ و پیوستگی کلام را احساس کند.

۳-۲-۲- تصدیر (جناس اشتقاق)

جناس، توجه شنونده را به کلام جلب می‌کند. هنگامی که لفظی در معنایی به کار رود و سپس همان لفظ یا مشتق آن در معنایی دیگر استعمال شود، میان الفاظ تناسب ایجاد می‌شود (ابن ابی الاصبغ، ۱۳۶۸: ۳۱). علت زیبایی جناس، تناسب و هماهنگی الفاظ و موسیقی حاصل از همگنی واژگان است (مطعنی، ۱۳۸۸: ۶۵۰).

اگر کلماتی که ریشه و حروف اصلی آن‌ها یکسان است، در کنار یکدیگر قرار گیرند، جناس اشتقاق پدید می‌آید. گاه در یک آیه، دو یا چند واژه مشتق و هم‌ریشه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و هارمونی و هماهنگی خاصی را ایجاد می‌کنند و موسیقی درونی آیه را تقویت می‌نمایند. در این سوره هم، جناس اشتقاق زیاد دیده می‌شود؛ مانند آیه ﴿قَالُوا أَطِيرَنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَيْرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ﴾ (نمل / ۴۷). در این آیه بین دو کلمه «اطیرنا» و «طائرکم» که از یک ریشه و مصدر «طیر» مشتق شده‌اند، تصدیر و یا جناس اشتقاق صورت گرفته است و نظم خاصی به وجود آورده است. در

این آیه، قوم ثمود به حضرت صالح (ع) می گویند: «ما تو و همراهانت را به فال بد گرفته ایم». حضرت صالح (ع) نیز پاسخ می دهد: «فال نیک و بد شما نزد خداست». کلمه «اطیرنا» در اصل، «تطیرنا» بوده است؛ یعنی باب تفعّل از مصدر «تطیر» و تطیر به معنی فال بد زدن است؛ زیرا عرب جاهلی غالباً با پرندگان فال می گرفتند و هرگونه شوم پنداری را «تطیر» می نامیدند و بهره هر انسان از خیر یا شر را به «طائر» او نسبت می دادند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۵: ۵۳۲).

در آیه دیگر ﴿وَالَّذِي عَصَاكَ فَلَئِمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ﴾ (نمل / ۱۰)، دو واژه «لاتخف» و «لايخاف» از ریشه «خوف» مشتق شده اند و نمونه ای از جناس اشتقاق را پدید آورده اند. جمله «لاتخف»، نهی مطلق از ترس است و احساس امنیت و اطمینان را به حضرت موسی (ع) القا می کند (همان: ۴۹۰). از دیگر آیاتی که این آرایه در آن ها به کار رفته است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

﴿وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ﴾ (نمل / ۳۵)
 ﴿لَاَعْدْبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ (نمل / ۲۱)
 ﴿فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ حِطُّ بِهِ وَحِثُّكَ مِنْ سَيِّئٍ يَبْتَغِي الْيَقِينَ﴾ (نمل / ۲۲)
 ﴿فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ﴾ (نمل / ۳۶)
 ﴿لِيُثْلِقُونِي أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾ (نمل / ۴۰)
 ﴿قَالَ نَكَزُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ﴾ (نمل / ۴۱)
 ﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ﴾ (نمل / ۵۸)

۳-۲-۳- طباق (تضاد)

طباق، از صنایع بدیعی است که با گردآوردن دو مفهوم متضاد در یک عبارت، موجب برجسته سازی معنا و افزایش تأثیرگذاری کلام می شود. «طباق» در لغت، به معنای موافق

کردن و سنجیدن دو چیز با یکدیگر است و در اصطلاح، به اجتماع دو واژه یا مفهوم متضاد در یک عبارت گفته می‌شود (زرکشی، ۱۹۹۰: ۴۵۵).

در آیه ۲۵ سوره نمل آمده است:

﴿لَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ﴾

در این آیه، دو واژه «تخفون» و «تعلنون»، به معنای «پنهان می‌کنید» و «آشکار می‌کنید»، در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند. این تقابل، بر احاطه کامل علم الهی به امور پنهان و آشکار تأکید کرده و معنا را برجسته ساخته است.

در آیه ۲۷ نیز آمده است: ﴿قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾

در این آیه، دو واژه «أصدقت» و «كاذبین»، در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند. حضرت سلیمان (ع) با این تقابل، صدق یا کذب خبر هدهد را مورد آزمون قرار می‌دهد و همین رویارویی دو مفهوم متضاد، بر دقت در داوری و بررسی حقیقت تأکید می‌کند.

در آیه ۳۴ سوره نمل نیز آمده است:

﴿قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا أَذَلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ﴾

در این آیه، دو واژه «أعزة» و «أذلة»، در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند. این طباق، دگرگونی جایگاه اجتماعی مردم بر اثر سلطه پادشاهان را به صورت روشن و تأثیرگذار به تصویر می‌کشد.

همچنین در آیه ۴۰ سوره نمل آمده است:

﴿هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾

تقابل «شکر» و «کفر» در این آیه، به وضوح نمایان است.

همچنین «حسنه» و «سینئه» در ﴿قَالَ يَقُومُ لِمَ تَسْتَغْفِرُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ

اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (نمل/ ۴۶) و «بر» و «بحر» در آیه ۶۳ سوره نمل ﴿أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتٍ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾، مجموع این نمونه‌ها نشان می‌دهد که کاربرد طباق در سوره نمل تنها برای

آرایش لفظی نیست، بلکه با برجسته سازی مفاهیم متقابل، در تبیین پیام های سوره و تقویت انسجام معنایی آن نقش مؤثری ایفا می کند.

۳-۲-۴- واج آوایی

آواها، یکی از مهم ترین عناصر سبک شناختی در شکل گیری موسیقی درونی متن به شمار می روند. در زبان شناسی، لایه آوایی تنها به تکرار صامت ها و مصوت ها محدود نمی شود، بلکه ویژگی های واجی هر حرف، مانند مخرج، شیوه تولید، جهر، همس، شدت، رخاوت و میزان طنین نیز در انتقال معنا و القاء احساس نقش دارند (انیس، ۱۹۷۵: ۸۴). از این رو، هماهنگی آوایی در قرآن کریم تنها حاصل سجع و فواصل آیات نیست، بلکه از تعامل هدفمند ویژگی های واجی با محتوای معنایی آیات شکل می گیرد و یکی از جلوه های اعجاز بیانی قرآن محسوب می شود (عباس، ۱۹۹۸: ۴۳).

۳-۲-۴-۱- ریتم نرم

﴿طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابٍ مُبِينٍ ۖ هُدًى وَ بُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ۖ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (نمل/۱-۳)

در آیات آغازین سوره نمل، که به هدایت، بشارت و معرفی ویژگی های مؤمنان اختصاص دارد، بسامد واج هایی مانند «ن»، «و» و «ی» چشمگیر است. از منظر آواشناسی واج «ن»، از صامت های مجهور، خیشومی و پیوسته است. هنگام تولید این واج، مسیر خروج هوا از حفره بینی ادامه می یابد و انسداد کامل در مجرای گفتار ایجاد نمی شود؛ از این رو از صامت های پیوسته و پرطنین محسوب می شود (بشر، ۲۰۰۰: ۱۰۵). همچنین براساس نظریه درجه طنین، واج هایی که از حفره بینی خارج می شود، نسبت به صامت های انسدادی از طنین بیشتری برخوردارند و موجب پیوستگی و نرمی آهنگ گفتار می شوند (ladefoged, 2006, 243). از این رو، بسامد بالای واج «ن»، در آیات آغازین سوره که درباره هدایت، بشارت و اوصاف مؤمنان است، با فضای هدایت و بشارت آیات هماهنگی آوایی و معنایی دارد.

۳-۲-۴-۲- ریتیم کوبنده

در برخی آیات، آهنگ کلام با فضای تهدید و شدت عمل، هماهنگ است. مانند آیه ﴿لَاَعَذْبَتَهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَاَذْبَحَتْهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ (نمل / ۲۱)

در این آیه، تکرار واج‌های انسدادی مانند «ب»، «د» و «ک»، موجب افزایش ضرب‌آهنگ کلام شده است. این واج‌ها در آواشناسی از صامت‌های انسدادی به شمار می‌روند؛ زیرا هنگام تولید آن‌ها جریان هوا برای لحظه‌ای به طور کامل متوقف و سپس به صورت ناگهانی آزاد می‌شود. همین ویژگی باعث ایجاد ضربه صوتی، برجستگی شنیداری و القاء حس شدت و قاطعیت در کلام می‌شود (بشر، ۲۰۰۰: ۱۱۸). بنابراین کاربرد این واج‌ها در آیه، تهدید هدهد با فضای هشدار، اقتدار و قاطعیت حضرت سلیمان (ع) هماهنگ است.

واج «ع»، از واج‌های حلقی، مجهور و پیوسته زبان عربی است که از عمق حلق تولید می‌شود و به همین سبب، از برجسته‌ترین واج‌های زبان عربی به شمار می‌رود (انیس، ۱۹۷۵: ۱۰۱). حضور این واج در واژه‌هایی مانند «عذاب» و «اعذبه»، موجب ایجاد نوعی سنگینی و عمق صوتی می‌شود که با فضای تهدید و هشدار آیه تناسب دارد (عباس، ۱۹۹۸: ۵۴).

نمونه دیگر، آیات ۴ و ۵ سوره نمل است که به سرنوشت کسانی می‌پردازد که به آخرت ایمان نیاورده‌اند و عذاب و زیان آنان را بیان می‌کند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ* أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخَسْرُونَ﴾ (نمل/ ۴-۵)

واج «خ»، از صامت‌های حلقی، مهموس و رخو (سایشی) است. هنگام تولید این واج، جریان هوا با اصطکاک از بخش انتهایی مجرای گفتار عبور می‌کند و از این‌رو، صدایی نسبتاً خشن و پرطنین ایجاد می‌شود (بشر، ۲۰۰۰: ۱۲۳). کاربرد این واج در واژه «الآخسرون»، با فضای هشدار و بیان سرنوشت منکران هماهنگی دارد.

﴿وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَدِيقُونَ﴾ وَ مَكَرُوا مَكْرًا وَ مَكَرْنَا مَكْرًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (نمل / ۴۸-۵۱)

در این آیات که داستان حضرت صالح (ع) را بیان می‌کند و به مکر قوم ثمود اشاره دارد، تکرار واج «ک»، چشمگیر است. این تکرار، افزون بر ایجاد انسجام آوایی، از منظر آواشناسی نیز معنادار است. واج «ک»، از صامت‌های انسدادی، مهموس و کامی است که در اثر توقف کامل جریان هوا و رها شدن ناگهانی آن تولید می‌شود (بشر، ۲۰۰۰: ۱۱۸). این ویژگی واجی، سبب ایجاد آهنگی قاطع و کوبنده در کلام می‌شود و با فضای تقابل، مکر و مجازات قوم ثمود تناسب دارد. بنابراین، هماهنگی میان ویژگی آوایی واج «ک» و محتوای آیات، یکی از جلوه‌های انسجام سبکی سوره نمل است.

موسیقی آیات سوره نمل، صرفاً حاصل سجع و هم‌آوایی پایانی نیست، بلکه از تعامل نظام‌مند ویژگی‌های واجی حروف، از جمله مخرج، صفات واجی، درجه طنین و توزیع هدفمند صامت‌های نرم و شدید شکل گرفته است. این هماهنگی میان ساخت آوایی و محتوای معنایی، یکی از جلوه‌های انسجام سبکی سوره به شمار می‌رود.

ویژگی‌های آوایی سوره نمل، تنها جنبه موسیقایی ندارد، بلکه در تعامل با لایه واژگانی، به برجسته‌سازی مفاهیم اصلی سوره کمک می‌کند. برای نمونه، تکرار واج‌ها در آیات مربوط به مؤمنان با واژگان هدایت، ایمان و بشارت همراه شده و در آیات مربوط به کافران با الفاظ تهدید، مکر و عذاب هم‌نشین است؛ از این‌رو، موسیقی آیات نیز در خدمت انتقال معنا قرار می‌گیرد.

۳-۳- سطح دستوری و بلاغی

قاعده‌های دستوری و آرایه‌های بلاغی، تأثیر بسیار زیادی در تحلیل سبک متن دارند و ساختارهای نحوی متمایز، معانی متفاوتی را القاء می‌کنند. عناصری مانند التفات، مجاز، کنایه و تشبیه، افزون بر ایجاد طراوت و زیبایی کلام، بر تأثیرگذاری آن نیز می‌افزایند. در

سوره نمل، ساختارهای نحوی و آرایه‌های بلاغی در هدایت مخاطب، برجسته‌سازی تقابل ایمان و کفر و تقویت انسجام متن نقش اساسی ایفا می‌کنند.

۳-۳-۱- التفات

التفات، به معنای تغییر زاویه سخن یا تغییر اسلوب بیان است که موجب طراوت و زیبایی کلام می‌شود. هر التفات، هدفی بلاغی دارد و نکته‌ای در آن نهفته است. در سوره نمل نمونه‌های متعددی از این آرایه دیده می‌شود. از جمله در آیه ﴿فَالَتْ رَبِّ إِنْني ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (نمل / ۴۴)؛ «(ملکه سبا) گفت: «آفریدگار! من به خود ستم کردم و اکنون با سلیمان برای خداوندی که پروردگار عالمیان است، اسلام آوردم!»

ملکه سبا در آغاز، به ستمی که بر خود روا داشته، اعتراف می‌کند و سپس تسلیم خویش را در برابر خداوند اعلام می‌دارد. در عبارت ﴿أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ﴾، نوعی التفات از خطاب به غیبت در اشاره به خداوند دیده می‌شود که به گفته علامه طباطبایی، بیانگر انتقال از ایمان ابتدایی در جمله ﴿رَبِّ إِنْني ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾ به توحید کامل و حقیقی است (۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۴۳).

نمونه دیگر در آیه ۶۰ سوره نمل است:

﴿أَمْنَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ﴾؛ «آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند یا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغ‌هایی زیبا و سرورانگیز رویانندیم؛»

در این آیه، التفاتی از غیبت (آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده) به خطاب (رویاندیم) صورت گرفته است و سخنش خطاب به مشرکین است و این التفات به گونه‌ای توبیخ است؛ زیرا توبیخ در حضور، تأثیر بیشتری نسبت به غیبت دارد (همان: ۵۴۴).

در آخر همین آیه آمده است: ﴿بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ﴾ (نمل / ۶۰)

در این جمله هم، التفاتی از خطاب به غیبت صورت گرفته است. پیش از این جمله سخن با خطاب مستقیم به مخاطبان ادامه دارد، اما در این بخش آنان با تعبیر «هم»، یاد شده‌اند. این

تغییر اسلوب، شدت نکوهش آنان را افزایش داده و خطاب را متوجه پیامبر اکرم (ص) می سازد (همان: ۵۴۹). التفات در سوره نمل، افزون بر ایجاد تنوع در ساختار کلام، موجب برجسته سازی پیام آیات، افزایش تأثیرگذاری بر مخاطب و تقویت انسجام بلاغی سوره می شود.

۳-۲-۳- کنایه

کنایه، به معنی بیان پوشیده و غیرصریح سخن است. کنایه، جمله یا ترکیبی وصفی، اضافی، صفتی مرکب و... است که مقصود گوینده از بیان آن، معنای ظاهری اش نیست.

در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره نمل آمده است:

﴿وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ* إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (نمل / ۱۰-۱۱)

حضرت موسی (ع) عصای خود را به زمین می اندازد و به ماری تبدیل می شود، خداوند بیان می کند: ای موسی، نترس که رسالت یافتگان نزد من نمی ترسند؛ مگر کسی که ستم کند سپس (عمل خود را) پس از بدی به نیکی تبدیل کند زیرا من آمرزنده مهربانم.

این عبارت، تعریض و کنایه ای به حضرت موسی (ع) است. این کنایه از جمله کنایه هایی است که از خاستگاهی بسیار ظریف برخوردار است و «ظلم» نامیدن آن مانند آن است که خود حضرت موسی (ع) می گوید: «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي» (قصص / ۱۶) (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۳۵۱).

در آیه ۸۷ سوره نمل آمده است:

﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوِّهٍ دَاخِرِينَ﴾

این آیه، اشاره دارد به روزی که در صور دمیده می شود که این نفخ صور کنایه از اعلامی همگانی برای وقوع حادثه ای عظیم، یعنی برپایی قیامت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۷۲).

۳-۳-۳- مجاز

مجاز در قرآن، اعم از مجاز لغوی، عقلی، استعاری و مرسل، کارکرد مهمی در بیان قرآن و گسترش شیوه‌های بیان دارد. مجاز، تصویری محسوس از معنا ارائه می‌دهد (مطعنی، ۱۳۸۸: ۶۱۹). مجاز، به معنی به کارگیری واژه یا عبارت در غیرمعنای حقیقی آن است. از جمله در آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾ (نمل/۴) آمده است: «کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند کارهایشان را برایشان آراسته‌ایم». خداوند متعال کارهای آنان را به خود نسبت داده است؛ در حالیکه در آیه ۲۴ سوره نمل به شیطان نسبت داده است؛ این نسبت از باب مجاز است. نسبت دادن آن به خداوند از آن‌روست که او مسبب الاسباب است و همه امور در نهایت به اراده او باز می‌گردد؛ اما نسبت دادن آن به شیطان یا هوای نفس، به اعتبار عامل نزدیک و بی‌واسطه است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۹۷).

مجاز دیگر در آیه ۹۰ سوره نمل آمده است:

﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُتِبَتْ لَهُمْ نَعْمُونَ﴾

کلمه «کبت» از «کب» به معنای سرنگون شدن و به رو افتادن است. این تعبیر نمونه‌ای از مجاز عقلی است؛ زیرا در حقیقت اشخاص در آتش افکنده می‌شوند، اما این حالت به «چهره‌ها» نسبت داده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۷۸).

نمونه دیگر در آیه ۵۵ سوره نمل ﴿أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ دیده می‌شود. در این جا «تجهلون» صفت «قوم» است، طبق قاعده، انتظار می‌رود به صورت «یجهلون» و به صیغه غائب بیاید؛ اما به سبب تغلیب ضمیر مخاطب «انتم» بر «قوم» فعل به صیغه مخاطب آمده است. این شیوه از مجاز تغلیب به شمار می‌رود و زیبایی آن در این است که «قوم» خبر برای ضمیر مخاطب «انتم» قرار گرفته است (سیوطی، ج ۱: ۲۳۱). مجاز تغلیب عبارت است از غلبه دادن حکم یک لفظ بر لفظ دیگر و اطلاق لفظ یکی از آن دو بر هر دو.

نمونه دیگری از مجاز در آیه ۲۸ سوره نمل ﴿ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَأَنْظُرْ﴾ دیده می شود که از نوع قلب است؛ بدین معنا که جای معطوف و معطوف علیه تغییر یافته و رد حقیقت، باید «فانظر» بر «تول» عطف می شد. نمونه های دیگری از مجاز نیز در آیات ۱۳، ۳۵، ۳۷ و ۸۸ سوره نمل مشاهده می شود.

۳-۳-۴- تشبیه

یکی از شریف ترین و عالی ترین انواع بلاغت، تشبیه است. تشبیه به این معنی است که امر مبهم و پیچیده به سمت امر روشن و آشکار سوق داده شود (همان: ۲۴۳). در آیه ۸۸ سوره نمل آمده است: ﴿تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ﴾. در این آیه، حرکت کوه ها به حرکت ابرها تشبیه شده است. مقصود از این تشبیه، حرکت آرام و یکنواخت ابرهاست، نه حرکت همراه با صدا؛ از این رو تشبیه حرکت را به تصویر می کشد، نه شدت آن را.

در آیه ۱۰ سوره نمل آمده است:

﴿وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ﴾

واژه «تهتز»، به معنای حرکت شدید است و واژه «جان» به معنای مار کوچکی است که سریع حرکت می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۴۸۹). این داستان در دو سوره اعراف و شعرا نیز آمده است که در آنجا از تعبیر «تُغْبِئُ مُبِينٌ» استفاده شده است که به معنی مار بزرگ است؛ اما در این سوره از تعبیر «جان» بهره گرفته شده است. در این تشبیه، مقصود بیان کوچکی یا بزرگی مار نیست، بلکه سرعت، حرکت و هراس انگیز بودن آن مورد نظر است. در آیه ۴۲ سوره نمل آمده است:

﴿فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهْكَذَا عَزْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأَوْتَيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ﴾

یعنی هنگامی که ملکه سبأ نزد سلیمان آمد، به او گفته شد: «آیا تخت تو اینگونه است؟ او پاسخ داد: «گویا این همان است».

در این عبارت تشبیه به کار رفته است؛ زیرا اعتقاداتی که هنوز محکم نگردیده است با تشبیه تعبیر می‌شود و اینگونه تعبیر نمود تا از تصدیق بدون تحقیق دوری کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۲۱).

۳-۳-۵- توازن نحوی

توازن، به معنای هماهنگی و نظم در ساختار کلام است که از تکرار واج‌ها، واژه‌ها و جمله‌ها پدید می‌آید. اگر این تکرارها با محتوا هماهنگ باشد، نکته‌های بدیع و جدیدی خلق می‌شود. قرآن کریم با آنکه کتاب هدایت است، از ساختارهای نحوی گوناگون برای زیبایی و تأثیرگذاری کلام بهره می‌گیرد؛ در سوره نمل، این توازن نحوی دیده می‌شود. مثلاً در آیات ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ و ﴿مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نمل / ۸۹-۹۰)، توازن: «من جاء» در دو عبارت مربوط به «حسنه» و «سینه» ساختار نحوی یکسانی به کار رفته است. در واقع این دو آیه توضیح و تفصیل آیه پیشین است.

در آیات دیگر ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (نمل / ۷۳) و ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ (نمل / ۷۴)، ساختار «إِنَّ رَبَّكَ» در هر دو آیه تکرار شده است که خطاب به منکران لجوج است و بیان می‌کند: اگر خداوند در مجازات شما شتاب نمی‌کند، به سبب فضل و رحمت اوست و در عین حال از آنچه در سینه‌هایتان پنهان می‌کنید و آنچه آشکار می‌سازید، آگاه است. بدین ترتیب دو صفت «فضل» و «علم» الهی با ساختاری یکسان بیان شده و بر زیبایی کلام افزوده است.

از دیگر نمونه‌های توازن نحوی، آیات ۶۰ تا ۶۴ سوره نمل است که با کلمه «أَمَّن» آغاز شده است و در آخر همه این آیات آمده است ﴿أَأَلِهَةٌ مَّعَ اللَّهِ﴾، «آیا معبودی با الله است؟» که هر پنج آیه با ساختاری یکسان بیان شده‌اند. پیش از این آیات نیز این پرسش مطرح می‌شود: ﴿اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ آیا خداوند برتر است یا معبودهایی که مشرکان برای او شریک قرار داده‌اند؟

﴿أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَوَلَمْ مَعَ اللَّهُ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ﴾ (نمل / ۶۰)؛ به خلقت آسمان‌ها و زمین و نزول باران اشاره دارد؛

﴿أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَوَلَمْ مَعَ اللَّهُ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (نمل / ۶۱)؛ در این آیه چهار نعمت بزرگ الهی، یعنی آرامش زمین، جریان نهرها، استواری کوه‌ها و حائل میان دو دریا بیان شده است.

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَوَلَمْ مَعَ اللَّهُ فَلْيَلَا مَا تَذَكَّرُونَ﴾ (نمل / ۶۲)؛ در این آیه پرسیده می‌شود: معبودهای شما بهترند یا کسی که دعای مضطر را به اجابت می‌رساند و چه کسی می‌تواند در هنگام بروز مشکلات آن‌ها را برطرف کند؟

﴿أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُزِيلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَوَلَمْ مَعَ اللَّهُ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (نمل / ۶۳)؛ در چهارمین پرسش، از هدایت انسان سخن می‌گوید: چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا نجات می‌دهد و بادهای بشارت دهنده پیش از نزول رحمتش برای شما می‌فرستد؟

﴿أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَزُوقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَوَلَمْ مَعَ اللَّهُ قُلْ هَاتُوا بُهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (نمل / ۶۴)؛ آخرین پرسش درباره مبدأ، معاد و روزی‌رسانی خداوند است.

این پنج آیه، با ساختار نحوی یکسان بیان شده‌اند و علاوه بر توازن نحوی، توازن معنوی هم در این آیات دیده می‌شود. در این آیات، پنج پرسش از مشرکان مطرح شده است و در هر مرتبه پرسیده است، «آیا با خدای شما خدای دیگری هست؟» روشن‌ترین دلایل توحید بیان شده و به ۱۲ نمونه از نعمت‌های خداوند هم اشاره نموده است. تکرار ساختار نحوی در این آیات نوعی توازن نحوی و بلاغی ایجاد کرده است که با پیشروی تدریجی از آفرینش جهان، تدبیر طبیعت، اجابت دعا، هدایت انسان و سرانجام مبدأ و معاد، برهان توحید را مرحله به مرحله کامل می‌کند. بدین ترتیب، تکرار ساختار نحوی در خدمت انسجام استدلالی و القاء پیام توحید قرار گرفته است.

۴- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش، به شرح ذیل می‌باشد:

۱- پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از مبانی سبک‌شناسی قرآن، سوره نمل را در چهار لایه آوایی، واژگانی، دستوری و بلاغی بررسی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که ویژگی‌های سبکی سوره نمل در سطوح آوایی، واژگان، دستوری و بلاغی، به صورت هماهنگ در ایجاد انسجام متن و انتقال پیام‌محوری سوره نقش‌آفرین هستند. یافته‌ها نشان داد که این سوره از ساختاری کاملاً منسجم و هدفمند برخوردار است و همه لایه‌های زبانی در خدمت انتقال محور اصلی سوره، یعنی تقابل ایمان و کفر و تحقق دوکارکرد تبشیر و انذار قرار گرفته‌اند.

۲- در سطح واژگانی، تکرار و شبکه معنایی واژگانی چون «ایمان»، «تسلیم»، «شکر» و «عبادت» نظام مفهومی سوره را شکل داده و با شخصیت‌های اصلی سوره، به ویژه حضرت سلیمان پیوندی معنادار برقرار کرده است؛ در مقابل واژگانی مرتبط با کفر، استکبار و تکذیب، سرنوشت اقوام فرعون، ثمود و قوم لوط را ترسیم می‌کند. این تقابل واژگانی، انسجام معنایی سوره را تقویت کرده است.

۳- در سطح آوایی نیز هماهنگی فواصل آیات، بسامد پایان یافتن بیشتر آیات با حرف «ن»، کاربرد سجع، جناس اشتقاق، طباق و نیز واج‌آرایی متناسب با فضای معنایی آیات، موسیقی درونی سوره را پدید آورده است. بررسی آوایی نشان داد که کاربرد برخی واج‌ها، با توجه به ویژگی‌های آواشناختی آن‌ها در زبان عربی، در القاء مفاهیمی مانند آرامش، بشارت، هشدار و تهدید نقش دارد و این هماهنگی میان آوا و معنا، از جلوه‌های اعجاز بیان قرآن‌کریم به شمار می‌آید.

۴- در سطح دستوری و بلاغی نیز به کارگیری هنرمندانه عناصری مانند التفات، کنایه، مجاز، تشبیه و توازن نحوی، افزون بر ایجاد تنوع و زیبایی در کلام، موجب هدایت ذهن مخاطب، برجسته‌سازی پیام‌های الهی و تقویت پیوستگی آیات شده است. این عناصر

فقط آرایه های ادبی نیستند؛ بلکه هریک در خدمت ساختار معنایی سوره و پیشبرد پیام آن قرار گرفته اند.

۵- برآیند این پژوهش نشان می دهد که لایه های آوایی، واژگانی، دستوری و بلاغی در سوره نمل به صورت مستقل عمل نمی کنند، بلکه در تعامل با یکدیگر، شبکه ای منسجم از روابط زبانی و معنایی را پدید می آورند که به انسجام متن و تأثیرگذاری پیام الهی می انجامد. از این رو، زیبایی بیانی سوره تنها حاصل وجود صنایع ادبی نیست؛ بلکه نتیجه هماهنگی نظام مند تمامی سطوح زبانی در خدمت انتقال معناست. پیشنهاد می شود در پژوهش های آینده، همین الگوی تحلیل در دیگر سوره های «طواسین» یا در سوره های داستانی قرآن به کارگرفته شود تا امکان مقایسه سبک و شیوه انسجام متنی آن ها نیز فراهم آید.

۵- منابع

*قرآن کریم

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، (۱۴۱۴ق).
- ۲- ابراهیمی، محمد، پاینده، لیلا، «بررسی عوامل انسجامی در دو سوره نمل و فجر در مقایسه با ترجمه فارسی»، نشریه ذهن، شماره ۴۸، (۱۳۹۰ش).
- ۳- ابن ابی الاصبغ، بدیع القرآن، ترجمه سیدعلی میرلوحی، مشهد، انتشارات آستان قدس، (۱۳۶۸ش).
- ۴- امرایی، محمدحسن و دیگران، «معنای اصلی و تبعی در ترجمه غلامعلی حداد عادل از قرآن کریم»، پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۱۳۹۵ش).
- ۵- امانی، داودسلیمان، الاسلوبیه و الصوفیه، چاپ اول، عمان، (۲۰۰۲م).
- ۶- انیس، ابراهیم، الاصوات اللغویه، قاهره، مکتبه الانجلو المصریه، (۱۹۷۵م).
- ۷- بدوی، احمد، من بلاغه القرآن، قاهره، نهضه مصر، (۱۳۸۴ش).
- ۸- بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن، تهران، انتشارات قلم، (۱۳۷۵ش).
- ۹- بشر، کمال، علم الاصوات قاهره دارالغریب، (۲۰۰۰م).

- ۱۰- پاشازانوس، احمد؛ فولادی، مریم، «تحلیل آواشناختی سجع در قرآن کریم از منظر انسجام بخشی به متن (بررسی موردی سوره‌های طور، نجم، قمر، رحمن و واقعه)» مجله پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان، (۱۳۹۵ش).
- ۱۱- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، (۱۹۸۴م).
- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق-بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، (۱۴۱۲ق).
- ۱۳- رضائزاد، عزالدین، پای برجای، رمضان، «بررسی دلالت آیه ۸۳ سوره نمل بر رجعت از دیدگاه فریقین»، مجله مطالعات تفسیری، شماره ۲۵، (۱۳۹۵ش).
- ۱۴- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت، دارالهدایه، (۱۳۸۵ش).
- ۱۵- زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، (۱۹۹۰م).
- ۱۶- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، (۱۴۰۷م).
- ۱۷- زینی وند، تورج و دیگران، «واکاوی برساخت گفتمانی داستان حضرت سلیمان (ع) در سوره نمل با تکیه بر نشانه‌های معناساز مایکل هلیدی»، مجله پژوهش‌های ادبی قرآنی، شماره ۴، (۱۳۹۷ش).
- ۱۸- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، لبنان، دارالفکر، (۱۴۱۶م).
- ۱۹- صادقی، فاطمه، «بررسی شیوه‌های تربیتی در سوره نمل»، مجله مطالعات قرآن پژوهی نور و وحی، بهار و تابستان، شماره ۱۱، (۱۴۰۰ش).
- ۲۰- صفری، علی، تحلیل مولفه‌های مدیریتی سوره نمل، دوفصلنامه مطالعات قرآن و علم، دوره ۵، شماره ۹، (۱۴۰۰ش).
- ۲۱- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، (۱۳۷۴ش).
- ۲۲- -----، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۴۱۷م).
- ۲۳- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).
- ۲۴- عباس، حسن. خصائص الحروف العربیه و معانیها، دمشق، اتحادالکتاب العرب، (۱۹۹۸م).

تحلیل سبک شاختی سوره نمل بر پایه لایه های آوایی، واژگانی و بلاغی... _____ مریم نساج

۲۵- فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).

۲۶- قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت-قاهره، دارالشروق، (۱۴۱۲ق).

۲۷- کواز، محمد کریم، سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، تهران، چاپ اول، ناشر سخن، (۱۳۸۶ش).

۲۸- مشایخی، حمیدرضا، «جلوه های زیبایی شناسی سجع در قرآن» مجله ادبیات دینی، شماره دوم فصلنامه، ۱۲۵-۱۴۰، (۱۳۹۱ش).

۲۹- مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد، ویژگی های بلاغی بیان قرآنی، ترجمه سید حسین سیدی، انتشارات سخن، تهران، (۱۳۸۸ش).

۳۰- مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، (بی تا).

۳۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۴ش).

۳۲- نصیری، علی، هنر و زیباشناسی از منظر قرآن، ناشر وحی و خرد، چاپ اول، (۱۳۹۳ش).